نقد بر

"گزارش ارزیابی تحلیلی - انتقادی
نظریه زوال انديشه سياسی در اسلام و ايران"

امحمد بهشتی

نظریه "زوال انديشه سياسی در اسلام و ايران" در سال 1373 در قلم كتابي با همين عنوان به چاپ رسید و از همان زمان درباره اين موضوع در مطروحات و كتب مربوط به انديشه سياسی واکنش هاي متفاوتی نسبت به آن وجد داشته است. نظریه "زوال انديشه سياسی در اسلام و ايران" از محدود نظریه های مسنجی است كه با روش مخصص می‌کوشید تا خطوط كلي تاريخ انديشه سياسی (و به طور كلي تاريخ اندیشه) را در ايران ترميز كند. طبیعی است كه این نظریه موافقان و مخالفان داشته باشد و اساساً با همين بحث و نقده‌هاست كه اندیشه در كشور ما نشاط و پویايي مي‌يابد.

در شماره 24 فصلنامه علم سياسی مقاله‌هاي با عنوان "گزارش از ارزیابی تحلیلی-انتقادی نظریه زوال انديشه سياسی در اسلام و ايران" از دکتر سيد مهدوی‌نادری تقوی انتشار یافت که هدف از مقاله نوست، بحث و بررسی در باب موضوعاتی و ادعاهاي مطرح شده در آن می‌باشد.

مؤلف در ابتدا مقاله خود مدعیات كلي نظریه زوال را به دو بخش مربوط به یوتن و ایران تقسیم نموده، مدعیات مربوط به یوتن را در سه مورد و مدعیات مربوط به ایران را در سه مورد بیان می‌کند. نخستین نتیجه‌ای که به ذهن می‌آید این است که مدعیات، یافد ارجاع‌اند و مشخص نیست که در کدام صفحه از کتاب چنین ادعایی شده است. با توجه به اینکه مؤلف محترم مقاله از

* دانشجوی دکتری علم سياسی دانشگاه تربیت مدرس.
واندیده‌ای خلاقه و چکیده استفاده کرده، به نظر می‌رسد که این موارد برداشت کلی ایشان از کتاب طبیعی‌شان باشد. آن‌ها با توجه به این مدعیات و پس از مرافعه به کتاب «زوال اندیشی» می‌پیشنهاد که متفاوت‌ها مؤلف محل ایجاد راه‌حل است. 

ارزیابی و تحقیق عبارت مدعی را به طبیعی‌شناسی نسبت داده که به دلیل وارد شدن و به‌خشنده نظریه زوال نسیم‌یافته، 

لیست نوشتکی که طبیعی‌شناسی مدعی است: «بس از تبدیل ایران زمین به بخشی از قلمرو امپراتوری اسلامی، دوره خوششی و ناخداگاهی بنیان‌گذار انسان ایرانی از آغاز می‌شود و این دوران گسترش از خوششی تا پس از مشروطه و امروز ادامه دارد» آتا جواب طبیعی‌شناسی چنین می‌نویسد: 

«انگه‌ای بچوگرک تراکم و روی‌گردان شدن از دست‌آوردجانه عصر زینب فرهنگ ایرانی اتفاق افتاده، 

برای تجربه اولیه ایران سروش‌ساز بوده است، زیرا این بچوگرک دهه‌ی خوششی و ناخداگاهی بنیان‌گذار انسان ایرانی از آغاز می‌شود و با گذشتن زمان تا فرا 있어 بنمایی مشروطه خواهی و جدیت در این، این گسترش و گرایش از آگاهی و خردمندی، چنان 

گسترش‌یابیده کرد که هنوز قسمت جمع و بررسی داده‌های آن نیز بر ما ممکن نیست.»

خواندن آگاه تفاوت این دو عبارت و نتیجه‌ریزی را که مؤلف مقاله در عبارت طبیعی‌شناسی داده است، به 

سادگی در می‌باید. طبیعی‌شناسی اگزه بی‌خوششی را بچوگرک تراکم پس از عصر زینب فرهنگ ایرانی 

(قرون اولیه اسلامی) می‌داند. آتا مؤلف مقاله به میل خود عبارتی از تبدیل ایران زمین به بخشی 

از قلمرو امپراتوری اسلامی» را به جمله طبیعی‌شناسی می‌افزاید تا این نکته را اثبات کند که از نظر صادق 

کتاب «زوال اندیشی سیاسی در اسلام و ایران» امروز موجب بی‌خوششی و انحطاط ایران شده است. 

موراد دیگری هم از این دست وجود دارد که در ادامه، به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. 

می‌توانیم با دیدن ضیق جمال تناها به سه مورد بردخواه و شش مورد دیگر از دیدن هیچ 

توپیکی را کردیم. در اینجا می‌کوشیم تا ارزیابی این‌ها را از این سه مورد به بهت بگذاریم 

و صحبت و سپس آن‌ها را مشخص کنیم: 

۱ - نخستین مدعی در این مقاله به طبیعی‌شناس نسبت داده چنین است: «اندیشیده عقلانی 

نخستین بار بنیان‌گذار تأسیس کردند و تاریخ فلسفه عمد از مسیحی و اسلامی چیزی جز بسط فلسفه 

پایه‌ای نبوده». ۲ - مؤلف مقاله می‌نویسد: «به راستی بر جه مبنا، مطلع اندیشیده عقلانی از 

پیوستن در پیوند است» و مدعی می‌شود که مقوله طبیعی‌شناسی از عقل، مشخص نیست و در ادامه هم 

می‌گوید که شیوه روشن‌کنی و عقل فلسفی در ذات انسان نهفته است و حدود و تأسیس اندیشیده 

عقلانی نه از پیوند، که به قدمت بشریت است. 

عن عبارت طبیعی‌شناسی این گونه است: «فلسفه، به عنوان اندیشیده عقلانی غیر ملت‌زمرن به ادبان
و اسطوره‌ها را نخستین بار بی‌فرزندان را در واقع تاریخ اسلام رحیم امام اسلامی و ... به معانی دقیق کلمه، ژر تاریخ بسط اسلامی بی‌فرزندان در میان اقوام دیگر نبوده است.

اولیا: طبایبی از اندیشه عقلانی غیر منظم به ادیان و اسطوره‌ها سخن گفت و فلسفه را چنین
اندیشه‌ای داشته است. یک ویژگی این به این تعریف، فلسفه به یونان باستان آغاز می‌گردد، بنابراین متفاوت
طبایبی روش است.

ثانیا: برخلاف تصویر نویسندگان مقاله، عقل و فلسفه یکی نیستند. اگر طبق گفته این‌ها، اندیش
اعقلانی وجود داشته ولی به صحت این سخن ترددی نیست. اما این‌ها به تقاوی مانند حکمت
و فلسفه** توجه ندارند. اندیشه‌های امام ایران باستان و درگیر نمودن‌های غیر یونانی همگی دینی
و اسطوره‌ای بودند و هرچند عناصری از آن‌ها با یونان‌نامه از این کار داشتند، آن‌ها را نمی‌توان فلسفه به
معنای دقیق کلمه دانست، به همین دلیل این این که عنوان مثال هنست که به توصیف فلسفه
ایرانی از وراثه حکمت به ***. به فلسفه استفاده می‌کند و براً توافت این دو این این چیک که واژه
فلسفه به اندیشه عقلانی یک صرف که در یونان و گرب تحقیق یافت ناظر است. تأکید می‌کنید. با
مراجعه به متن به جای مانده از ایران باستان (و به طور کلی شرق باستان) می‌توان این نکته را
دریافت که حکمت ایرانی قدم به همین وجه استدلالی و عقلانی انبوه، بلکه مبتنی بر برخی
آموزه‌های وی‌اره و سیاست‌های خاص باستان است.

* Wisdom.
** Philosophy.
*** Theosophie.
بوناتی وجود ندارد، اما پاسخی است که متفکران اسلامی به سوال از وجود که پرمشی بیتی است - داده‌اند. البته رازی مزبور، مخالفان مهمی هم دارد که نیازمند بحث فلسفی جدی است و صرفاً با مقایسه فرهنگ‌های گوناگون در مورد این موضوعات ویژه بیانگر به پرسش‌ها می‌باشد، نه پاسخ به پرسش‌ها. که دیگران مطرح کرده‌اند و فیلسوف‌های بزرگ اینکه سوالی مطرح کرده‌اند و هر یک سوالی مطرح کرده‌اند. سوالی که متفکران مسلمان طرح کرده و پاسخ‌هایی که به سوال‌های بیتی بیتی بیتی داده‌اند، تفکیک قابل شد.

۲- مفهوم دیگری که ایجاد به صاحب کتاب زوال اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، نسبت داده‌اند: این است که با توجه اصلی عقلانی خصوصیاتی داشت اول: آن که این اندیشه جدید تنظیم خود را اساسی اولین و دریافت‌های درکی داده که متفکران آن زمان همچون افلاطون و ارسطو

اهلی نبوده و نیستند (کتای) و به آن نسبت به آنها داده شده است. 

اول: طبیعت‌نیزی از زوال خود بیتی - نه اندیشه عقلانی - سخن می‌گوید. نسبت: نسبت مفهوم در این چکیده‌سازی از مفهوم فلسفه، به تحرکی اشکال دست دارد که دست دارد که در صفحه شانزده کتاب زوال اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، آمده، مربوط به سده‌های هفتم و هشتم قبل از میلاد است و طبیعت نیزی به اشکال خود بیتی به این سه‌ها نظر دارد. ولی قسمت دوم بیش از میلاد می‌بایست. اما نسبت مفهوم با افزاودن بیان «متفکران آن زمان» مطلب طبیعت‌نیزی را به گونه‌ای دیگر جلو داده است.

نوستره مفهوم در ادامه بیتی بودن افلاطون و ارسطو با بیشتری می‌کند تا بدین طرح نتایج مفاد که تصویر متفکران مسلمان از این دو فیلسوف کاملاً متفاوت بوده و درصد نیست. در اینجا از این نتیجه که این ایده به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد. اما اشاره به اینکه را ضروری می‌دانم.

نخست، اینکه مفهوم خدا نزد بیتی بیتی به سبب این مفهوم بروز یافته‌ها و اخلاقی و اسرار می‌باشد. تفاوت دارد و اگر برخی فلاسفه بیتی از خداانسان سخن گفته‌اند، با مفهوم اسلامی خدا اربتکی‌تر ندارد و واساً حکم می‌یابند (حکمی پیش از ارسطو) را نمی‌دانند. و در نهایت، متفکران مسلمان عمداً از طریق شرح‌های استثنایی و انسانی به آثار حکم‌های قدیم بیتی بیتی از داستان و می‌دانست که ادعای الیه بودن افلاطون را نخستین بار شارشان مشایی
مسیحی (لاطینی) اریب دادهاند که همگی تحت تأثیر فلوطون و دیگر اندیشه‌های نافاق‌الاطلیونی که باید توحیدی مطالب قاشته، بوده‌اند؛ برای مثال، پروکلس (۴۲۰–۳۴۵) رساله‌ای در باب «علم الهی افلاطون» نوشته است. ۱۰. تلقی الهی از افلاطون و درگیر حکماهی یونانیان از ویژگی‌های عصر یونانیتی و به اندازه تدریج‌هایی است که در این دوره به نگارش درآمده است. افلاطون و سقراط از افراد الهی، مشترک، زاهد، گوش‌هاشین و واجد کرامات معرفي شده‌اند و این تلقی نادرست در دوره اسلامی هم تداوم ییدا کرده و در تاریخ و ترجمه دو دیره اسلامی نیز چنین تصوری از حکماهی یونان وجود داشته است. ۱۱.

هرچند جدا دری ندی در ادیان‌های افلاطون وجود دارد، الهی دانستن او یا توجه به آثار صحیح او - که به دستمان رسیده است - و همچنین با بررسی تاریخ تفکر فلسفی یونان، درست به نظر نمی‌رسد.

فلسفه و فلسفه دیسیس در بی‌دان و دریان هنگامی پدید آمد که یونانیان با کشف مفهوم طبیعت، ۱۱. آن را یا گذشته یا حکماه حمیت و مرجعیتست کرده‌اند. به عوارت دیگر، اندیشه‌های فلسفی هنگام تأسیس شد که طبیعت به عوان یا گذشته برابر سنی همان که لازم انتظار می‌رود که همان انتظاری که یونانی برای سنی‌های گذشته که مطمئن می‌کنند که هر آن‌ها درور و درون به موارد و عالم ماده و محسنات اطلاق می‌شود، انت در تلقی یونانی قوی می‌شود. که یکین حاکم بر عالی و وجود است. لان است که فلسفه در باب تاسیسی فلسفه در یونان بردارید: در ابتدا، مرجعیت و حکماه به عنوان هر ایام و اجاداتی داشت. کشف مفهوم طبیعت یا گذشته این سنی اجادات را ویران ساخت. فلسفه امروز سنی و ایام و اجادات را به کنار می‌نپید و به آنجا که در نیک این که در سوی می‌آورد. ۱۲. به کنار زدن افراط و مرجعیت سنی‌های اجادات، فلسفه اعلام می‌دارد که طبیعت هنیه برترین افراط است. بنابراین، بوده است که گویایی که فلسفه، طبیعت را به عنوان ملاک و مرجع، معرفی نموده، ۱۳. به عبارت دیگر، آنجا در فلسفه یونان متعلق و موضوع فلسفه دیسیسی می‌گردیده‌های نتیجه یا لکه او یا یکن و نظام عالم درست که مدتی چنین جزه مهمی از آن به شمار می‌رود از آن جا نظمه حاکم بر عالم وجود نظمه عقلی است؛ پس برای مشاهده و فهم آن باشد به بحث و نگفته عقلان روز آورد. این

* Phusis.
** Kosmos.
*** Polis.
بحث و گفتار عقیلی ترد سقراط به خوس، ترد افلاطون دیالکتیک و ترد ارسطو منطق نامیده می‌شود.

بنابراین، فیلسوف یونانی در امتیاد پرستشی از وجود و تأمل عقلانی در یادمان کمک بر عالم سلسله مراتب طبیعی آن، به پرستش از وجود مدنیه -که ترد یونانیان دارای حیثیت و دردست است- و عوارض کافی آن می‌پردازد. به صراحی با این گفت تلقی‌ای که در کتاب اسلاسی در پایان حکمای یونانی، با واقعیت منطبق نیست و همان‌گونه که شاعر درخت اصلی یونانی جدی درباره را تایید نمی‌کند. این تلقی از مجاری ترجمه و توییم نوافلاطونی و هلپیستی به چالش اسلام وارد شده است. مؤلف محترم مقاله می‌نویسد: «به راستی اگر مخبز به که بین فلسفه چون فارابی که از افلاطون به‌سختی مشخص می‌گوید، این ادعای طبیعتی‌ای که انتخاب کنیم علاوه بر عقل و سیره عقل، دقت و توجه به قواعد هرمونیکی ما را به‌بعد می‌شود که ادعای فارابی که شرح آثار اولیه یونانی است و لحاظ زماني بسیار تزدیک به آثار مدرسه جدید شابور و مقاله مشهور یونانی پانده‌نه دهد در برکار وشیروان به اساس ایران از اسلاسی طبیعتی که عالی مدعی خوشی را به اساس به تقل از مرحله فوکانی» تنظیم کرده است، ترجمه نیاز به بررسی کردنی زماني بسیار با پانده‌نشگان یونانی -که با خلاق تشکیل جاب تقوی، عالیان کیهانیتی بودند- چند حیدد چهارصد سال است. از سوی دیگر، معلوم نیست پانده‌نه دندان چندی از فلسفه و علمی یونانی و آن مدرسه جدید شابور چه ارتباطی به فهم فارابی از افلاطون دارد؟

فصله زمانی فارابی و افلاطون حدود هزار سال است و فارابی عمدتاً از طریق شرح‌های اسکندر آمی و نوافلاطونی با فلسفه سیاسی افلاطون آشنا بوده است. می‌چیند دکتر داریو معتقد است متن افلاطونی، به‌صورت کامل و جامع، باقی به شکل پراکنده در اخبار فارابی بوده است. کفتنی است که از میدان ۲۵ محاربه افلاطون صرفاً چند رساله از جمله نامه، تیماس، سوپستاپی و جمهوری به عربی ترجمه شده‌اند و احتمالاً به این فهرست می‌توان حاصل‌های فایدوین، فدروس و کریستن آفرود.

مآخذ فارابی برای تألیف کتاب‌هایی چون «فسفه افلاطون و اجرای وها» و دیگر آثارش، نوشته‌های چون «مراتب قرآن کتب افلاطون و اسماً ماسقه» از ناون و یا کتاب «جواب« کتب افلاطون» از چالودوس بوده است. با این توضیحات، جومن می‌توان مدیع شده که فهم فارابی از افلاطون درست بوده است. اما می‌توان به‌فهم کمی را درست دانست که اعتقاد دارد: افلاطون معنی است که شیوه سقراط بر اساس علمی باشه و شیوه فلسفا‌ها پرای تبدیل و تعلیم عووم مردم مناسب‌تر از شیوه سقراط است. یعنی سقراط در بحث علمی و فضای و عدل است و برده می‌شود بر حجت و استدلال می‌باشد و تأثیر جمهور در توان ای نیست، ولی فیلسوف و‌شکه و وضع‌النوابی
بابید قدرت استفاده از هر دو طریق را داشته باشند و هر دو با هم جمع کند. شیوه سقراط برای خواص و شیوه ترایسماخوس برای احترام و جهور مناسبتر است. ۱۹

بدین‌طوری است که افلاطون از ترایسماخوس که مثابه تغلب است ۲۰ دفاع کنند و شیوه ای در هیچ شرایطی نمی‌پذیرد و اساساً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه ساسکیسی یونان، نفی تغلب است. در اینجا چون اکثر که فلسفه بر اساس منبع محسوس و جدول این عقیده را به افلاطون نسبت داده است. (عبدالحمد بنشیخ رحیمی) فی این کتاب، که منسوی به افلاطون است، برگرفته به این مطلب مشارکه این اشتباها در آثار افلاطون انگی نیست و کتاب‌های مختلف در این اشتباها به افلاطون نسبت می‌دهد، بسیاری از رساله‌های افلاطون را نمی‌شناسند، رساله کرتون را یا بی‌نظری سقراط اشتباها می‌گیرد. ۲۱ شخصیت دیکی‌نیس کلی این افلاطون معرفی می‌کند و در بسیاری از نوشته‌های خود تحت تأثیر شیرش، سالنیونی ناونفلدوئی و اسکندری فیور دارد که پژوهش‌های جدی از این طرح باعث آن بوده این اثبات رساندم. حال چگونه می‌توان معنی شد؟ «افلاطون شناسی» فیوری کامل بوده است.

البته ما در اینجا چند تغییر مقام والامعل تاثیری را که بی‌شک از بزرگترین اندیشمندان تاریخ شریعت است تداریم، بلکه بر اینم را سوء تفاهم مؤلف مقامات در باب «افلاطون شناسی فیوری» را رفع می‌کنیم. مؤلف مقامات خواسته که فیوری را به افلاطون شناسی که فیفس‌ال بحث نموده، مفترض کنید. قصد ما این است که شناش دهمی فیوری افلاطون شناسی نبوده و حتی انتساب این صفت به او موجود تضعیف مقام او از تاریخ تفکر اسلامی می‌گردد. فیوری مؤسس فلسفة دوی اسلامی بوده است و جنوب به تأسیس نظر بیانی، آنچه را از عقیده افلاطون و حکایت یونان موفق طرح خود پافته، برگزیده است در حقیقت وی سعی در تفسیر تاریخ از فلسفة داشته و تنی خواسته است که متنی بحث افلاطونی باید. ۲۲ بدین ترتیب، نمی‌توان فیوری را شناسانده افلاطونی دانست تا حکام طوری که مورد توجه است، با هم چنین دامنه‌ای نداشتند است. فلسفه برگشته فیوری همین طریق نظر را تایید می‌کنند. رضا داوری در اینباره می‌نویسد: «بدون تردید، فیوری در جمع اوری دو حکیم اشتباه کرد و واگر اثر او به عنوان یک سند تاریخی که باید مبنا یاد نشوده که در نظر اوریم اشتباه و خطای او ناپذیرشوندی است، اما غرض فیوری غیر از این است و او در ضمن سعی در طریق جمع و توافق نظر و عمل و عقل و علیه و عکسی و دین، به جمع آن‌ها دو استاد پیامدی خود پرداخته است.» ۲۳

همین نتیجه می‌گیرد: «نابایران، شکی نیست که ماکه امروزه آثار افلاطون را در دست داریم، بهتر می‌توانیم به آرای او واحق باشیم.» ۲۴

بر خلاف تصویر جنب افکار تقی، «عقل و سیره عقل» و توجه به قواعد هرمز دیکیً حکم می‌کند

۲۳۱
که ما امروزه پس از حدود ۲۳۰۰ سال، با یکه گیری از پژوهش‌های افلاطون‌شناسانه که عمری را در فهم آثار فیلسوف یونانی صرف کرد، و با شیوه‌های انطباقی، تاریخی و تنبیه فراوانی‌ها و ابزارشناسی و فلسفی بسیاری از زاویه‌های تاریکی اندیشه‌های او را بر ماهوشن نموده‌اند، بهتر می‌توانیم در باب افلاطون سخن بگوییم. عجیب‌تر این که مؤلف در همین مقاله در جایی که می‌نویسد: «نویسندگان زوال اندیشه سیاسی متأسفانه توجه نکرده اند که علم و تئیف فلسفه و اندیشه عقلانی ماهیت افراشی و انبشته‌دارن» ۲۶ به این نکته توجه ندارده، که اگر فلسفه و علم ماهیت انبشته‌دارن چگونه می‌توان مدیع مفهوم فارابی در هزار سال پیش بهتر از همین می‌باشد.

این‌دام، برای نشان دادن اهمیت و اوج مربیت افلاطون‌شناسی فارابی نقل قول‌هایی از منتقده کتاب «تحلیل‌های اوپلوپسی» وی می‌آورد: «افلاطون نوشته یونانی، نگر و نگرگرفته و معمولاً درشوارنویسی را برگزاری عبده به دست ناهال نیافته و دکترین تئودور به دست کسی بیفتد که قادر آن را ندارد و یا آن را در غیر چندی خود که کار بر است. این امر از راه‌های افلاطونی است که تشد در آن فن نشانه‌ها ارائه می‌گذارد.» ۲۷ این مطلب مؤلف مقاله مشخص نکرده که این عبارت‌ها چه را بداند با اهمیت و اوج مربیت افلاطون‌شناسی فارابی دارد. اما یکی از اشکال که در این جا هم‌اکنون با نگاه افلاطونی‌نشانه‌ای به نوشته‌های فارابی بی‌گیری نخواهیم تعویض می‌دارم. او را در اینجا به دو گروه اشاره می‌کنیم:

الف) توجه به اسرار ظهور که با دهن یونانیان مقدم سازگاری نشان و حکم‌ها و زمان‌ها بودن تعامل فلسفی، در دوران متأخر یونانی و تحت تأثیر اندیشه‌های فیتاگورسی و ناوناپولیکس پیدا شده و یا این نگری نادرست به اثر افلاطونی از این طریق به دوران اسلامی منتقل شد. در اندیشه‌های یونانیه‌ها، اثرات معروقی جویم، جمهور و مفاهیم روح و اسرار محسوب نمی‌شود. ۲۸

ب) نکته مهمترین این که فارابی با اشاره به روزنامه‌های قدمدار اندیشه‌های افلاطونی که به «تعلیم دانش»، فارابی اختصاص دارد، نشان می‌دهد که فارابی چگونه هم‌رسانی‌های این کتاب آراز خود از ارتباط افلاطونی با کتاب افلاطونی‌ها می‌کند. اشتراوس با تحلیل دقیق رسم‌النامه‌های تعلیم دانش و مقایسه آن با کتاب «تعلیم دانش»، و در نهایت نتیجه می‌گیرد که فارابی در کتاب نخست، فلسفه سیاسی خودش را بیان کرده و در کتاب دوم انسجام افلاطونی را معرفی می‌نماید. وی در کتاب تعلیم دانش فراوانی‌های می‌کند که فارابی به افلاطون نسبت داده است. اما کچک‌ترین نشانه‌ای از آن‌ها در اصل کتاب افلاطونی یافته نمی‌شود. ۲۹

با عنايت به مطالعات پیش‌ینه، می‌توان نتیجه گرفت که فارابی به یک افلاطون‌شناس به معنای یبایی که می‌خواهد صاحب راهی بوده است و به توشته‌ها او در باب افلاطون هم یاد از این دیدگاه
تگریست.

3 سیوی مدعایی که توسط مقاله به دکتر طبیعی نسبت داده، چنین است: «تأکید بر استفاده در عمل چند جز غربی‌تری و تازه‌تری داشته باشند و این اتفاق افتاده».

جهت کاهش این پیام، شریعت‌نامه‌نویس، با تأکید بر اینکه در عمل مبهمی، تازه‌تری و سیری پنهانی داشته که به اسلام و غرب گرویده بودند، در حالی که تاکید بر اندیشه‌ای غربی و تفسیر غربی اسلام به تنهایی که به وزه در قلمرو تبدیل و فرهنگ ایران زمین مکان‌یابی شد. می‌توانست سری در برای یادگیری نادرستی باشد که از سوی نظریه‌پردازان خلافت میان دو اسلام و تبیر عرب به وجد آمده بوده.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقاله با بیرون کشیدن یک جمله مبهم و معرفی آن به عنوان یکی از شش مدعایی اساسی در باب ایران، کوشیده تا نشان دهد طبیعی‌مایه‌ای است و حالا باعث طبیعی‌مایه‌ای نشانه‌ای باشد. اما در حقیقت، طبیعی‌مایه‌ای آن اگر به خود کننده که تعریف این اتفاق افتاده است، به دلیل خلافت گرویده می‌باشد. موردی که شریعت‌نامه‌نویسین و ایرانیان، شریعت‌نامه‌نویسین سئی مذهب می‌پردازد که بی‌تردی، به فضای بزرگ‌تری بر این بحث و تشخیص‌های اهمیتی با پیام‌های استفاده از این تئوری برای تلفی و تاریکی نشان داده. بیشتر این استفاده را در توجه نظریه خلافت گرویده استفاده کرده. به طور کامل در نظر و قبول شود به خوبی نشان می‌دهد که صاحب نظریه روزال از این بحث و تاریکی از نظریه‌پردازان استفاده است."

رشید: نویسنده از سوی نظریه‌پردازان خلافت میان دو اسلام و پیروی عرب از وجد آمده بوده، سخن می‌گوید.

طبیعی‌مایه‌ای در ادامه مقاله می‌نویسد: "ایرانیان... نشان دادن که می‌توان به مبهمی اسلامی از این جهت که برای تفسیر غربی اثراتی از دیوان دی‌زدینی و گاماتی‌ها همه‌گونه دارند، با دراخت.

وکلتی این به شرط ممکن‌تخدی برای پیام‌های انحراف‌طلبی شریعت‌نامه‌نویسین گرویده.

خواننده کتاب "زوال اندیشه‌پردازی در اسلام و ایران" اگر در حاضر، این انسان دانسته باشد در می‌باشد که این عیارت‌ها هیچ ارتباطی با "تعصب قومی و نژادی" و عرب‌سری ندارند. عجب‌تر اینکه دفاع مؤلف مقاله، از شریعت‌نامه‌نویسین و نظریه‌پردازان متصن خلافت افتاد که برای خواننده سوال‌پردازی می‌باشد. اگر اینکه باشند. شریعت‌نامه‌نویسان همکاری از توجه گرویده قدرت خلافت نظام بودن، این کاملاً ندارد و آنها را در این اسلام می‌پندازد و با اینکه هدف خوشی را در تماس مطالب کتاب "زوال اندیشه‌پردازی در اسلام و ایران" به هر قیمت ممکن حتی دفاع از نظریه‌پردازان خلافت قرار در می‌آورد.
داسه است. شیوه ایشان در هر دو حالت با اسلوب صحیح تقصیلی منطبق نیست. امیدواریم همچنین پژوهش ایشان که گویا به اتمام رسیده، از این دست نباشد. توفیق در فعالیت‌های پژوهشی را برای مؤلف فاضل مقاله آرزوندیم.
۱. آهنگ‌نامه علمی سیاسی، ش. ۲۴۴، ص. ۲۴۶.
۰. سید جواد طباطبایی، تاریخ سیاسی در ایران (تهران؛ کوثر، ۱۳۷۵) ص. ۸۹-۸۸.
۲. آهنگ‌نامه علمی سیاسی، ش. ۲۴۴، ص. ۲۴۳.
۳. همان.
۱۱. سید جواد طباطبایی، پیشینه، ص. ۱۵.

۷. آهنگ‌نامه علمی سیاسی، ش. ۲۴۴، ص. ۲۴۶.
۸. همان، ص. ۲۴۳.
۹. سید جواد طباطبایی، پیشینه، ص. ۱۶.
۱۰. دلیسی اولبری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام (تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۲) ص. ۴۶.

۱۱. برای نمونه به کتاب‌های چون تاریخ الحکما، فقیه، تنزهه آل‌رواح؛ شهر زنی، «صوان الحکما سجستانی» و «صحیب القلم» اشکوری مراجعه شود.


۱۴. آهنگ‌نامه علمی سیاسی، ش. ۲۴۴، ص. ۲۴۶.
۱۵. در سال ۵۱۸ بی‌سی ویری از فلسفه نجش و شکنجه دیدند و مدرس آن بسته شد و هفت تن از این استادان به ایران مهاجرت کردند و خسرو ساسانی که علم و فلسفه یونانی توجه یافته داشت، مقام آنان را گرامی داشت، رک: دلیسی اولبری، پیشینه، ص. ۴۷.
۱۶. سید حسن نصیر، سه حکم سلمان، ترجمه احمد آرام (تهران؛ انتشارات سه‌همه کتاب‌های جنوبی، ۱۳۶۱) ص. ۲۳۵.
17. رضا داوری، فلسفه معنوی و نوآوری (تهران: شرایط ایرانی فرهنگ، 1356) ص پ. 16.

18. عبدالرحمن بدیوی، درسی در توصیف فلسفه و علوم اسلام تحت عنوان (تهران: مؤسسه علوم معاصره نوآوری، 1353) ص پ. 16.

19. عبدالرحمن بدیوی، فلسفه اسلامی (تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مککی شبه تهران، 1353) ص پ. 26. ترجمه نیکی تخلیص از رساله «فلسفه اسلامی».

20. رک: فلاطوئون، جمهوری کتاب نویست.

21. عبدالرحمن بدیوی، پیشین، ص پ. 22.

22. فلسفه اسلامی بر اساس فکر کوشتی از دیگر ایرانیان از دیگر کشورهای باعث افزایش میزان شایدی و برپایه کتاب تحلیلی از برداشت اجتماعی و فلسفه اسلامی در تشکیل (تهران: شرایط ایرانی فرهنگ، 1356) ص پ. 32 و رضا داوری، فلسفه اسلامی (تهران: شرایط ایرانی فرهنگ، 1382) ص پ. 233 (پراکن). 23. رضا داوری، پیشین، ص پ. 139.

24. همزمان، ص پ. 172.

25. همزمان، ص پ. 25.

26. قدسی، علوم سیاسی، ش پ. 22، ص پ. 256.

27. همزمان، ص پ. 24.

28. دلیسی‌نیا، پیشین، ص پ. 35.

29. عبدالرحمن بدیوی، اصول الیونی در توصیف فلسفه اسلامی (تهران: شرایط ایرانی فرهنگ، 1354) ص پ. 22.

30. مقابل اشتراوس در این کتاب ایمان است:


31. قدسی، علوم سیاسی، ش پ. 24، ص پ. 256.

32. سید جمال‌الداهی، پیشین، ص پ. 149 - 150.

33. همزمان، ص پ. 150.

شایسته پایداری است که گزارش منتشر شده در شماره 22 فصلنامه علوم سیاسی، از نگاه که معرفی یک کارونه‌ای است که توسط آفرینه‌ی واره‌کننده علوم و این شیوه سیاسی انگیزشIVE و در دست انتشار است که توانست می‌توانست تمام جواب دیگری اقدامی ایجاد یابد.

به هر حال با انتشار منتشر یک اهداف علاقه‌مندان به این سنگ از مباحث خواهند و در نهایت با بخش‌هایی از پژوهش که در گزارش از آنها یاد تشد و با اختراع آمده بود و نیز مسئله‌ی اوگاه شوند (فهرست فصلنامه)